موقعیت مان را نباید از دست بدهیم

یارجانی، جواد

وابسته به تعامل خارجی شده‏اند.در واقع دو سوی اصلی‏ اقتصاد،یعنی تولید و مصرف،هر دو،بین‏المللی‏ شده‏اند.این روند در سراسر جهان رخ داده و امر تولید، دیگر محلی و ملی نیست،بلکه بین‏المللی است.مقصود از تولید بین‏المللی نیز آن است که وقتی کالایی در منطقه‏ای تولید می‏شود گستره بازار آن همه دنیاست.به‏ همین دلیل تولید کننده از همان آغاز تولید باید به‏ رقابت‏آمیز بودن تولید خود فکر کند و بازار مصرف را بشناسد.البته مصرف هم در دنیا بین‏المللی شده است، به ترتیبی که نباید فقط به مصرف داخلی توجه کرد،بلکه‏ نگاه باید به بازار مصرف دنیا معطوف باشد.در مجموع‏ زمانی می‏توان یک اقتصاد پویا و قابل توجیه داشت که‏ بتواند در تولید و مصرف جهانی مشارکت کند.

3-همه مسائل یک کشور از تصویری که آن کشور از خود در جهان ارائه می‏کند ناشی می‏شود.این تصویر، به خصوص در عرصه دیپلماسی بین‏المللی،نقش‏ برجسته‏ای می‏یابد.در واقع این تصویر است که سبب‏ ایجاد ارتباط و تفاهم و یا برعکس سبب مناقشات و مخاصمات می‏شود.

بدون یک تصویر مناسب،به هیچ روی نمی‏توان یار و همراهی در دنیا داشت و به توسعه مناسب دست یافت. بنابراین بین تصویر و رشد و توسعه اقتصادی یک‏ همبستگی مستقیم و قوی وجود دارد.در این میان هر قدر در سیاست خارجی دقیق‏تر و درست‏تر رفتار کنیم‏ تصویر بهتری از خود ارائه خواهیم داد و هر قدر این‏ تصویر دلپذیرتر باشد توسعه اقتصادی نیز امکان‏پذیرتر خواهد بود.به بیان دیگر برای دست یافتن به توسعه و تسریع آن باید حتما از سیاست خارجی سازگار با توسعه‏ برخوردار باشیم.

برای روشن شدن اهمیت این ارتباط می‏توان اقتصاد و توسعه اقتصادی را ماشین،و سیاست خارجی را جاده فرض‏ کرد.هیچ ماشینی و هیچ برنامه توسعه اقتصادی نمی‏تواند بدون یک جاده مناسب مسافران خود را به مقصد برساند. حتی بهترین ماشین‏ها و بهترین برنامه‏های توسعه اقتصادی‏ هم نمی‏توانند در مسیری سنگلاخ راه به جایی ببرند.این‏ در حالی است که یک ماشین فرسوده و مستهلک به هر روی می‏تواند در یک اتوبان مسافتی را بپیماید.در واقع‏ سیاست خارجی بستر و زمینه‏ساز حرکت اقتصادی و برنامه‏های توسعه‏ای کشور است.

نتیجه اینکه سال 86 چالش‏ها و فرصت‏ها تاریخی‏ خواهد بود.سال تاثیر متقابل و نزدیک‏تر اقتصاد و دیپلماسی بین‏المللی است.

در تمثیل دکتر عادلی از ارتباط میان سیاست خارجی‏ و اقتصاد(به مثابه جاده مناسب و اتومبیل)،نفت و درآمد حاصل از فروش آن را می‏توان سوخت اتومبیل و عامل‏ حرکت آن فرض کرد،البته به شرط اینکه این درآمد به‏ شیوه‏ای درست هزینه شود.

نباید فراموش کرد که صنعت نفت و نقش آن فقط به‏ تامین درآمد محدود نیست.این صنعت همواره به عنوان‏ یکی از مهم‏ترین زمینه‏های ارتباط با دنیای خارج مطرح‏ بوده است.نفت،به دلیل همین اهمیت و نقش غیرقابل‏ انکار،گاه موجب بروز خطرات و تهدیداتی در اقتصاد کشورها شده است.از کودتای 28 مرداد 1332 می‏توان‏ به عنوان نمونه بارز این تهدیدها نام برد.

در عین حال این صنعت،از جمله مولفه‏های بسیار مهم‏ امنیت ملی صاحبن ذخایر و تولید کننده نفت و گاز جهان‏ به شمار می‏رود.بر این اساس،کشورهای برخوردار از ذخایر نفت برای حفظ موقعیت خود به عنوان عرضه کننده‏ قابل اعتماد،از هیچ تلاشی فروگذار نیستند.برای مثال‏ می‏توان به موقعیت عربستان سعودی اشاره کرد.بعد از واقعه 11 سپتامبر،شرایط عربستان،به عنوان عرضه کننده‏ای‏ قابل اتکا،مورد تردید جدی قرار گرفت،اما امروزه شاهد هستیم که آن کشور،تنها با چند سال و به کارگیری‏ روش‏های مختلف،توانسته است موقعیت برتر پیشین خود را تجدید کند.در این روند حتی شاهدیم که پادشاه عربستان‏ به عنوان بالاترین مقام،در صورت ضرورت،برای تثبیت‏ موقعیت کشور خود و اطمینان بخشیدن به مصرف کنندگان‏ عمده جهان،نه تنها به کشورهای سنتی خریدار نفت آن‏ کشور،بلکه به کشورهاییی هم که به تازگی به عنوان قدرت‏ های جدید اقتصادی سربرآورده‏اند،همچون چین،سفر و عملا برای نفت عربستان بازاریابی می‏کند.

عربستان،از سوی دیگر،همواره تلاش می‏کند به عنوان‏ تامین کننده اصلی بازار آمریکا باقی بماند.دولت قبل از آقای چاوز در ونزوئلا در نظر داشت که با افزایش تولید نفت آن کشور به 6 میلیون بشکه در روز،موقعیت عربستان‏ را در بازار تضعیف کند،اما عربستان با اتخاذ تمهیداتی،که‏ منجر به کاهش قیمت نفت شد،سقوط دولت مزبور و به‏ روی کار آمدن دولت آقای چاوز را تسهیل کرد.در نتیجه، برنامه افزایش تولید نفت در ونزوئلا و رشد صادرات آن‏ کشور به آمریکا به فراموشی سپرده شد.

این تجربه گویای آن است که همواره یکی از برنامه‏های‏ دشمنان،تضعیف موقعیت کشورمان به عنوان یک‏ عرضه کننده بزرگ و قابل اتکای انرژی در بازارهای‏ جهانی است.اگر چنین امری رخ دهد،موقعیت کشور خدشه‏دار شده،به حاشیه رانده می‏شویم؛امری که تبعات‏ آشکاری بر امنیت ملی کشور خواهد داشت.

هم‏اکنون وابستگی آمریکا به نفت خلیج فارس کمتر از 20 درصد است،در حالی که وابستگی کشورهای آسیایی‏ بسیار بیشتر است.به همین دلیل،آمریکا از شرایط بحرانی‏ منطقه کمتر متضرر خواهد شد،کره و ژاپن نیز،اگر شرایط را تیره ارزیابی کنند،خواهند کوشید از وابستگی خود به‏ نفت ایران بکاهند.اگر موقعیتی که از آن برخورداریم،از دست‏ برود،بازپس‏گیری و اعاده آن بسیار مشکل خواهد بود.

همچنین است وضعیت سرمایه‏گذاری که بسیار تحت‏ تأثیر وجهه و تصویر کشور قرار دارد.در این میان،صنعت‏ نفت و گاز از جمله زمینه‏ها و رشته‏های کاملا وابسته به‏ سرمایه‏گذاری و تکنولوژی خارجی است.در واقع هدف‏ از ناامن جلوه دادن شرایط،جلوگیری از رشد سرمایه‏گذاری‏ در این زمینه است،در حالی که نقش سرمایه‏گذاری در تداوم‏ بهره‏برداری از این صنعت بسیار حیاتی است.